

نقد فرهنگی

تعرض به میراث فرهنگی

ساخت بنای تاریخی جدید در قلب بافت تاریخی گرگان

چندی پیش در یکی از صفحات فضای مجازی مطلبی با عنوان

«ساخت اثر تاریخی ادر بافت تاریخی گرگان»

در مورد یکی از تغلفات صورت گرفته در بافت تاریخی گرگان منتشر شد

و همین امر سبب شد نگارنده‌ی این سطور، قفلی که مدت‌ها بر دهان

وقلم خود زده‌اشکسته، مطلبی در باب این موضوع بنویسد.

یکی از جوک‌های قدیمی، که اگر اشتباه نکنم در دهه‌ی ۱۳۴۰ توسط نشریه‌ی توفیق منتشر شد و بعدها نیز به دلیل آن‌که در زمره‌ی جوک‌های پاستوریزه محسوب می‌شد، به حوزه‌ی جوک‌های رادیویی و سایر نشریات فکاهی ایران نیز راه یافت، این بود که می‌گفت: «در فلان جا آثار تاریخی جدید می‌سازند» یا «در فلان جا مشغول ساخت میراث فرهنگی هستیم». در واقع این جوک بیانگر این بود که موضوع احداث بناهایی با شکل و فرم تاریخی، یک شوخی است و انتشار و فراگیر شدن این جوک نیز گویای این بود که فهم عمومی نیز این موضوع را به خوبی درک کرده و تعارض و پارادوکس موجود در محتوای این جوک بر هیچ کس پوشیده نبود.

از دهه‌ی ۱۳۷۰ خورشیدی به بعد که مسئله‌ی توسعه‌ی گردشگری در ایران مطرح شد، بر مبنای برخی از نظریه‌های بازسازی و مرمت بناهای تاریخی، که بر ساخت عین به عین یک بنای تاریخی، تحت شرایط خاص دلالت داشتند، در کشور ایران نیز ساخت بناهای تاریخی تجربه شد. هرچند از همان آغاز، شواهدی از عدم درک درست این نظریه‌ی تخصصی و در برخی موارد نیز شواهدی دال بر دور زدن این نظریه، وجود داشت، اما با این حال، باتوجه به این‌که این کار، جزو فعالیت‌های ساختمانی پُررهزینه محسوب می‌شد، غالباً از صاحب‌نظران حوزه‌ی مرمت و حتی گاهی از صاحب‌نظران حوزه‌ی معماری که گرایش‌های مرمتی داشتند، به عنوان طراح و مشاور این پروژه‌ها استفاده می‌شد، که بعضاً این پروژه‌ها با آزمون و خطا همراه بود و به صرف جسارتی که در روحیه‌ی طراح و مشاور وجود داشت، چنین پروژه‌ها پیش می‌رفت، که در برخی موارد پروژه‌های موفقی از آب درمی‌آمد و البته

در اغلب موارد نیز ناموفق بودند. در واقع آسیب این پروژه‌ها زمانی جدی می‌شد که طراحان و مشاوران به کار گرفته می‌شدند که تفکرات معماری یا شهرسازی در آن‌ها غالب بود و دانش کافی در حوزه‌های مرمتی نداشتند؛ علت عمده‌ی این موضوع هم این بود که در تفکر معمارانه‌ی رایج، سعی بر خلق اثری است که نسبت به سایر آثار خودنمایی کند و نشانه و امضایی از خالق آن نیز در اثر نمایان باشد. در حالی که تفکر غالب در مرمت بنا، ایجاد اثری خنثی است، یعنی نه تنها بنای دوباره‌سازی شده یا بنای افزوده شده (میان‌افزا) نسبت به آثار تاریخی پرامون خود رُخ‌نمایی ندارد، بلکه کاملاً خنثی است و تا حد امکان به هیچ وجه جلب توجه نمی‌کند.

طبق برخی نظریات مرمتی، مداخلات غیرعُرف در پروژه‌های مرمتی، در شرایطی ویژه و خاص، با در نظر گرفتن تمام جوانب و به استناد مصوبه‌ی شورای کارشناسی خبره، قابل اجراست. به همین نسبت دوباره‌سازی یک بنا تاریخی که به دلایلی از بین رفته، بسته به این که آن بنا چه جایگاهی در سبک‌شناسی معماری و چه اهمیتی در روند تاریخ سیاسی-اجتماعی یک سرزمین داشته باشد و در صورتی که دوباره‌سازی آن موجب بازنده‌سازی بخشی از هویت فرهنگی-تاریخی آن سرزمین محسوب شود، توجیه‌پذیر بوده و البته آن هم به شرط آن که مستندات کافی از جزئیات معماری بنای از بین رفته وجود داشته باشد و هم چنین به شرط آن که در بازسازی آن مصالح و متربالی استفاده شود، که معاصر بودن بنا را نشان داده و مشخص باشد که آن بنا به عنوان یادبودی از بنای پیشین ساخته شده و پس از گذر زمان بینندگان و پژوهشگران را دچار اشتباه تاریخی نکند و البته ده‌ها شرط و شروط دیگر!

حال در نظر بگیرید، بافت تاریخی شهر گرگان، به عنوان قدیمی‌ترین بافت شهری زنده در شمال کشور، یا به عبارت دیگر، به عنوان زنده‌ترین و پویاترین بافت تاریخی کشور، در قلب و مرکز خود محله‌ای دارد با نام «محله سرچشمه»، که مهم‌ترین عناصر بافت تاریخی در آن محله متمرکز شده و در دل این محله کوچه‌ای بن بست قرار دارد که هر گردشگر و بازدیدکننده‌ای اگر هر کجای بافت را نتواند ببیند، حتماً این کوچه را خواهد دید، بنابراین ویتترین بافت تاریخی محسوب شده و به واسطه‌ی این که بافت تاریخی گرگان غالباً با تصویر این کوچه معرفی می‌شود، پس این کوچه شناسنامه‌ی بافت تاریخی گرگان نیز به حساب می‌آید. علاوه بر آن، تمامی ساختار متولی‌گری و نظارتی بافت تاریخی، یعنی اداره کل میراث فرهنگی استان گلستان نیز در همین کوچه و در جوار آن مستقر شده است.

حالا در داخل این کوچه یک خانه‌ی تاریخی مشهور به «خانه صمدی» وجود دارد، که بخشی از این خانه، بنایی متعلق به دوران متأخر (پهلوی) بوده و دو ضلع این بنا، بخشی از جداره‌ی اصلی و بخشی از جداره‌ی فرعی این کوچه را تشکیل می‌دهد. جداره‌ای که سال‌ها توسط بازدیدکنندگان و پژوهشگران و متخصصان و... مستندسازی و ثبت شده است.

بگذریم از این که گویی تعریف سرمایه‌گذار به کلی در حوزه‌ی بافت تاریخی، با تعریف سرمایه‌گذار به مفهوم واقعی آن متفاوت است و هر کس با چندرغاز پول و یا با اتکاء به وام‌هایی که بابت مرمت بناهای تاریخی آن هم

تحت عنوان اشتغال‌زایی- اختصاص می‌یابد، صرف آن که حاضر می‌شود زیر بار تعهد پرداخت اقساط وام برود، سرمایه‌گذار نامیده شده و در واقع هیچ آورده‌ی قابل توجهی برای بافت ندارد. از این گذشته، تمامی این به‌ظاهر سرمایه‌گذاران، که بخش عمده‌ای از آنان بوی کباب به مشامشان خورده، تمام توجه خود را به محدوده‌ی مرکزی بافت تاریخی، که کانون توجه تمامی نهادها مثل میراث‌فرهنگی و شهرداری و راه‌شهرسازی و... بوده و به عنوان فضایی حاضر و آماده، که اصطلاحاً پاخور خوبی دارد، معطوف نموده‌اند و نه کسی خودش حاضر است در بخش دیگری از این بافت وسیع جریان‌ساز شود و نه نهاد متولی، سرمایه‌گذاران (!) را به این کار ترغیب می‌کند. حالا در این میان، آن شخص خوش‌اشتها، در کانون توجهات بافت تاریخی (محل سرچشمه)، کانونی‌ترین نقطه‌ی بافت (کوچه‌ی فاطمیه یا همان کوچه‌ی تقوی) را برای به اصطلاح سرمایه‌گذاری خود انتخاب کرده است. البته تا این‌جا کار اشکالی وجود ندارد و تنها می‌توان به آن سرمایه‌گذار گفت که ادعای دغدغه برای بافت نکن!

اما بدنه‌ی مدیریتی و نظارتی و کارشناسی میراث‌فرهنگی باید آن قدر هوشمندی داشته باشد و بداند که این سرمایه‌گذار برای این نقطه‌ی تاریخی آورده‌ای نخواهد داشت، بلکه آمده است که از داشته‌های آن استفاده کند و برداشت کند؛ که اگر درست رفتار کند، نوش جانش!

اما این سرمایه‌گذار، بغل چشم و گوش میراث‌فرهنگی، بنای موجود را به کلی از بین برده است، که طبق هیچ‌کدام از نظریات مرمت و باززنده‌سازی بناها و بافت‌های تاریخی و بنابر هیچ عذری، چنین خطایی پذیرفتنی و قابل بخشش و گذشت نیست و دردناک‌تر- و البته کمی هم خنده‌دارتر- آن‌که جای آن بنایی ساخته که اولاً در ساخت آن تماماً از مصالح تاریخی استفاده شده؛ یعنی نه از مصالحی که شباهت به مصالح تاریخی دارند، بلکه از همان آجرهایی که در دوره قاجار تولید شده و از تخریب بناهای دیگر به دست آمده‌اند. البته این‌جا یک پراتنز هم بازکنم که خود این آجرها هم از داخل خانه تاریخی میرش‌هیدی برداشته شده، که خود تخلف بسیار بزرگ و نابخشودنی است و هیچ دلیلی چنین اجازه‌ای را به سرمایه‌گذار و پیمانکار و متولی نمی‌دهد که چنین خبط و خطایی را مرتکب شوند. برای برخی که نمی‌دانند توضیح بدهم که خانه تاریخی میرش‌هیدی خود بنایی تاریخی و منحصر به فرد در بافت تاریخی گرگان و در محله سرچشمه است، که در تملک اداره کل میراث‌فرهنگی قرار داشته و گویی برای مدت کوتاهی پیمانکار همین خانه‌ی صمدی واقع در کوچه تقوی، مدتی قرارداد پیمانکاری مرمت خانه میرش‌هیدی را نیز داشته، که فعلاً کل اقدامات پیمانکاری او در خانه میرش‌هیدی، به انتقال آجرهای خانه میرش‌هیدی به پروژه خانه صمدی شده است.

خطای بزرگ دیگری که در ساخت این بنای جعلی و نامشروع رخ داده، این است که در ساخت نمای این بنا از تزئینات و المان‌هایی استفاده شده که الگویی در معماری بافت تاریخی گرگان ندارد. علاوه بر این تناسبات به‌کار رفته در ساخت این بنا، هیچ همخوانی با آثار تاریخی و ثبتی هم‌جوار آن و هم‌چنین معبری که در آن قرار گرفته، ندارد. در واقع استفاده از تناسباتی چنین اغراق‌شده در یک معبر باریک و در مجاورت چندی بنای شاخص ثبت ملی، صرفاً با هدف رخ‌نمایی و گردن‌کشی در برابر بناهای تاریخی اصیل آن کوچه مانند خانه‌ی تقوی است.

حالا اگر از یک بیننده‌ی عام بررسی که نظرت در مورد این بنا و نمای آن چیست؟ قطعاً اگر آن شخص هیچ سوادى در این زمینه نداشته باشد، پاسخش این است که: «خیلی قشنگ است» (پاسخی که تنها از دهان عوام بیرون می‌آید) و متأسفانه در یک رفتار پوپولیستی، این کار تبدیل به یک رویه شده و عاملان این رفتارهای پوپولیستی، در برابر انتقادهای نیز می‌گویند نظر عموم در مورد این نوع مرمت‌ها (!) مثبت است، اما عده‌ای حسود و نتوانم‌بین، قصد کارشکنی و تخریب ما را دارند.

پرسش اصلی از آنان این است که اگر قرار بود بنای موجود را به کلی تخریب و تبدیل به زمین خالی کرده و دوباره در آن بنایی بسازید، چرا از ابتدا یک زمین خالی را برای این کار انتخاب نکردید؟ پرسش دیگر آن که استفاده از مصالح تاریخی، هدفی جز جعل هویت و فریب مخاطب دارد؟ پرسش سوم این که هدف از استفاده از تزئینات اغراق‌شده و مقیاس نامتناسب، جدای از آن که ناشی از بی‌سوادى است، آیا می‌تواند چیزی جز گردنکشی بنای شما در مقابل بناهای اصیل پیرامونی باشد؟

و تنها پرسشی که از مدیریت میراث فرهنگی و ارکان نظارتی آن داریم این است که «واقعاً چه کار می‌کنید؟» در آذرماه ۱۴۰۴ یادداشتی در مورد تخلفات صورت گرفته در مرمت خانه تاریخی صمدی، در برخی صفحات فضای مجازی منتشر شد، که می‌توانید در ادامه این یادداشت را بخوانید.

ساخت اثر تاریخی، در بافت تاریخی گرگان

به اسم مرمت و سرمایه‌گذاری، بخشی از یک بنای تاریخی به شکل مجعول در یکی از بکرترین نقاط بافت تاریخی گرگان در حال ساخت است که با تغییر اصالت خانه، منظر تاریخی کوچه مشهور محله سرچشمه را تغییر داده است.

تصاویر کوچه مشهور به «کوچه فاطمیه» در محله سرچشمه، سال‌هاست که به عنوان یکی از نمادهای بافت تاریخی گرگان در فضای مجازی و نزد گردشگران این بافت شناخته می‌شود. حالا بدعت ساخت یک اثر جدید با معماری دوره قاجار به جای مرمت یک بنا، آن هم در دوره مدیریت فریدون فعالی، مدیرکل باسابقه‌ی کنونی و در چند قدمی این اداره، تبدیل به سؤالی جدی برای کارشناسان و شهروندان شده است.

در اقدامی عجیب، سرمایه‌گذار با هدف ایجاد کاربری غیرمسکونی، با تخریب اثر و افزایش ارتفاع ساختمان، بنایی با معماری دوره متقدم‌تر ساخته است که علاوه بر حذف یک سند از معماری دوره مربوطه و غلطاندازی تاریخی مخاطب، منظر کوچه را نیز تغییر داده است.

حداقل، بخش شرقی پروژه خانه صمدی مرمت محسوب نمی‌شود، بلکه به طنز، ساخت یک اثر تاریخی! و بی‌هویت و ضربه‌ای به ارزش تاریخی یکی از زیباترین کوچه‌های بافت تاریخی گرگان است. منظر که تصویرش در آرشیو هزاران بازدیدکننده و گردشگر ایرانی و خارجی ثبت شده است.

این پروژه که حاصل ناآگاهی و مشاوره‌ی غلط و یا منفعت‌طلبی سرمایه‌گذار بوده است، در یکی از معدود بافت‌های باهویت باقیمانده در کشور، در جهت کاهش ارزش در فرهنگ میراثی عمل کرده است.

با توجه به مرکزیت گردشگری محله سرچشمه و اهمیت معماری کهن آن، بی‌تردید مسؤلیت این تحریف آشکار در تاریخ معماری بافت و ساخت این بنای قاجاری مصنوعی و جعلی، برعهده‌ی اداره‌کل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری گلستان و ارکان نظارتی آن است.



دو عکس از یک بنای تاریخی کاملاً جعلی، که مغایر با تمام ضوابط ملی و بین‌المللی میراث فرهنگی در مجاورت اداره‌کل میراث فرهنگی استان گلستان ساخته شده است